

۱۰۱- نقش واژه‌ی «دگر» در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) ملک اقلیمی بگیرد پادشاه / همچنان دربند اقلیمی دگر
- ۲) اگر لذت ترک لذت بدانی / دگر لذت نفس لذت نخوانی
- ۳) آدمی فضل بر دگر حیوان / به جوانمردی و ادب دارد
- ۴) گویند به جانبی دگر رو / وز جانب او عزیزتر نیست

۱۰۲- معنی فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) دست از فغان مدارید گر ذوق وصل دارید / کز ناله‌ی جگرسوز این نی پر از شکر شد
- ۲) آسوده بود بلبل تا گل نبود در باغ / بی‌تابی دل ما از وصل بیشتر شد
- ۳) تا دل به یار پیوست دیگر نکرد یادم / با سر چه کار دارد دستی که در کمر شد؟
- ۴) تا شوق در ترقی است امید وصل باقی است / چون مور پر برآورد محروم از شکر شد

۱۰۳- در واژگان کدام بیت همه‌ی روابط معنایی «ترادف، تضاد، تضمّن، تناسب» دیده می‌شود؟

- ۱) در گلشن جمال تو روی تو آن گل است / کز عکس خود چو لاله کند هر گیاه را
- ۲) فصل گل می‌گذرد هم‌نفسان بهر خدا / بنشینید به باغی و مرا یاد کنید
- ۳) رنگ دویی رنگ ماست ورنه ز نوری چراست؟ / پیکر چینی سفید، هیکل زنگی (آفریقایی) سیاه
- ۴) گر چه روزی تیره‌تر از شام غم باشد مرا / در دل روشن، صفای صبحدم باشد مرا

۱۰۴- در همهی ابیات نقش دستوری دو واژه‌ی مشخص شده یکسان است، به جز:

- ۱) شغال نگون‌بخت را شیر خورد / بماند آنچه روباه از آن سیر خورد
- ۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چون چنگش رگ و استخوان ماند و پوست
- ۳) که چون زندگانی به سر می‌برد؟ / بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
- ۴) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش

۱۰۵- کدام آرایه‌ها در بیت زیر وجود دارند؟

- ز اشک، دیده‌ی بدخواه تو سفید چو قار (برف) / ز رشک، روز بداندیش تو سیاه چو قیر
- ۱) کنایه - تناسب - حس آمیزی
  - ۲) جناس - تناسب - تشخیص
  - ۳) جناس - کنایه - تشبیه
  - ۴) تضاد - تشبیه - تشخیص

۱۰۶- در کدام بیت آرایه‌ی «جناس همسان (تام)» پدید آمده است؟

- ۱) قومی که ره راست گزیدند، رسیدند / ما در غم تحصیل ره راست خمیدیم
- ۲) جهان چیست؟ بگذر ز نیرنگ او / رهایی به چنگ آور از چنگ او
- ۳) در مذهب عاشقی خیانت نه رواست / من راست روم تو کژ روی ناید راست
- ۴) بس چنگ زدم به دامن پاکان / تا دامن پاک او به چنگ آمد

۱۰۷- در کدام بیت یکی از آرایه‌های ذکر شده نادرست است؟

- ۱) بلبلان را در میان آب و آتش غوطه داد / گریه‌ی رسوای شبنم، خنده‌ی پنهان گل (تضاد - تشخیص)
- ۲) به پای دوست چنان سر بنه که از ره حیل / به دست دشمن بیهوده‌گو بهانه نماند (جناس - کنایه)
- ۳) دست و پای می‌توان زد بند اگر بر دست و پاست / وای بر جان گرفتاری که بندش بر دل است (تناسب - جناس همسان)
- ۴) خفته به خاک دیده‌ام خیل دلاوران ولی / یک تن از این تهمت‌نان سینه سپر نمی‌کند (کنایه - مجاز)

۱۰۸- در همهی ابیات تمامی ارکان تشبیه وجود دارد، به جز:

- ۱) پرتو عمر چراغی است که در بزم وجود / به نسیم مژه بر هم‌زدنی خاموش است
- ۲) به انتظار چه شب‌ها چو سایه در رخت ای مه / فتاده ماندم و مانند ماهتاب گذشتی
- ۳) چون غنچه اهل دل همه در خون نشسته‌اند / نظاره کن که تنگ‌دلان چون نشسته‌اند
- ۴) چون آن مرغی که در هر برگ گل نقش خزان بیند / تبه کردم به خود از وحشت پیری جوانی را

۱۰۹- معنی کدام مصراع نادرست است؟

- ۱) نژند آن دل، که او خواهد نژندش: خداوند هر که را بخواهد غمگین می‌سازد.
- ۲) که سعیت بود در ترازوی خویش: از نتیجه‌ی تلاش خود بهره‌مند می‌شوی.
- ۳) که دون‌همتانند بی‌مغز و پوست: انسان‌های پست و کوتاه‌همت، مغز و پوست ندارند.
- ۴) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست: نه غریبه و نه آشنا، هیچ‌کس غصه‌ی او را نخورد.

۱۱۰- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) که هر کس که او تخم نیکی بکاشت / از این در نشد تا برش بر نداشت
- ۲) هر چه رفت از عمر یاد آن به نیکی می کنند / چهره‌ی امروز در آینه‌ی فردا خوش است
- ۳) نیکی کن ای پسر تو، که نیکی به روزگار / سوی تو بازگردد اگر در چه افکنی
- ۴) ببخش مال و مترس از کمی که هر چه دهی / جزای آن به یکی ده ز دادگر یابی

۱۱۱- مضمون مصراع اول و دوم بیت زیر به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- زنخندان فرو برد چندی به جیب / که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
- الف) خوش آنکه در دو جهان گوشه‌ی غمی دارد / همیشه سر به گریبان ماتی دارد
- ب) صائب بگیر گوشه‌ی عزلت که اهل دل / این درد را به گوشه‌نشینی دوا کنند
- ج) رزق زان معنی ندادندم خسان / تا تو را دانم پناه بی کسان
- د) در محیط عشق تا سر در گریبان برده‌ایم / نیست چون گرداب، رزق ما به غیر از پیچ و تاب
- ه) چنان پهن خوان کرم گسترده / که سیمرخ در قاف روزی خورد

الف - ه (۱)      ب - ه (۲)      ج - د (۳)      الف - ج (۴)

۱۱۲- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟
- ۱) تواز من چون به زودی سیر گشتی / مرا روباه دیدی، شیر گشتی
- ۲) تا روی تو دیدم از جهان سیر شدم / روباه بدم ز فرّ تو شیر شدم
- ۳) هر که چون کرکس به مرداری فرود آورد سر / کی تواند همچون طوطی طمع شکر داشتن
- ۴) اعتبار کوه بخشد کاه را / قوت شیران دهد روباه را

۱۱۳- مفهوم عبارت زیر در کدام بیت آمده است؟

- «مردان، بار را به نیروی همّت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»
- ۱) بر هدف دستی ندارد تیر، بی زور کمان / همّت پیران جوانان را به منزل می‌برد
  - ۲) همّت از خاکی نهادان جو که با آن سرکشی / قوت نشو و نما از خاک باشد سرو را
  - ۳) شبنم بی دست و پا شد همسفر با آفتاب / چون بلند افتاد همّت، دست گو کوتاه باش
  - ۴) چه کند زورمند وارون بخت؟ / بازوی بخت به که بازوی سخت

۱۱۴- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) به تدبیر کارآگاههان دم گشاد / ز کارآگهی کار عالم گشاد
- ۲) ز گرمی و سردی واز خشک و تر / سرشتی به اندازه‌ی یک دگر
- ۳) ترتیب جهان چنان که بایست / کردی به مثابتی (اندازه‌ای) که شایست
- ۴) نیست در دایره یک نقطه خلاف از کم و بیش / که من این مسئله بی چون و چرا می‌بینم

- ۱۱۵- مفهوم بیت زیر به کدام بیت نزدیک‌تر است؟  
 اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادب‌ها اقبال گردد  
 (۱) بی‌عنایت‌های آن دریای لطف / از چنین موجی به ساحل کی رسی؟  
 (۲) ز مهربانی جانان طمع مبر حافظ / که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند  
 (۳) ای سعادت مددی کن که به آن یار رسم / لطف کن تا من دل‌داده به دل‌دار رسم  
 (۴) نسیم لطفت ار با او بکوشد / نهد در نیش کژدم نوش زنبور

۱۱۶- معنی واژه‌های «توزی - عمید - حطام - کوشک» به ترتیب عبارتند از:

- (۱) پارچه‌ی کتانی نازک - بزرگ - مال دنیا - قصر  
 (۲) پارچه‌ی کتانی نازک - دبیر - ریزه و شکسته - کاخ  
 (۳) پیراهن خنک پنبه‌ای - سرور - ریزه و شکسته - خیمه  
 (۴) پیراهن خنک پنبه‌ای - بزرگ - مال دنیا - خیمه

۱۱۷- معنی واژه‌ی مشخص‌شده در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) سلطان گفت: مردی کافی است اما بالا و دستار او را دوست ندارم. (با کفایت)  
 (۲) و بازگشت و آنچه فرمودنی بود، بفرمود و مثال‌ها که دادنی بود، بداد. (فرمان)  
 (۳) بسیار طیبیان‌اند که گویند: فلان چیز نباید خورد که از آن چنین علت به حاصل آید. (دلیل)  
 (۴) عامل تگین‌آباد را مثال داد که نیک اندیشه دارد. (خوب)

۱۱۸- معنای چند واژه نادرست است؟

- (۱) افگار (مجروح) - سرسام (شلوغی) - ندیم (همدم) - برنشست (سوار شد) - جیب (بِقَه) - خیرخیر (سریع) -  
 منخقه (پیراهن) - چاشتگاه (صبح‌زود) - نژند (خوار) - دربايست (ضرورت)  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۱۹- در کدام گزینه غلط‌املایی دیده می‌شود؟

- (۱) به ابر اندرون بانگ پولاد خاست / به دریای شهد اندرون باد خاست  
 (۲) ز اندیشه‌ی دیو باشید دور / گه جنگ دشمن مجوید سور  
 (۳) بستانِ رخ تو روزه‌ی خُلد / یاقوتِ لب تو کوثرِ دل  
 (۴) گفت ای نکرده یاد ز یاران و دوستان / این بود حقِّ صحبت یاران حق‌گزار؟

۱۲۰- در کدام گزینه غلط‌املایی یافت می‌شود؟

- (۱) حمیت و مردانگی - محراب عبادت - دون‌همّت و پست  
 (۲) حلال بی‌شبهت - خطوات متقارب - هزار مثقال زر  
 (۳) توقیع‌نامه - عقد و منخقه - هزاهز و غریو  
 (۴) فراق و آسودگی - صلّت و جایزه - عارضه و بیماری

- ۱۲۱- در همهی ابیات رابطه‌ی معنایی «تضمّن» بین واژه‌ها دیده می‌شود، به‌جز:
- (۱) پست و بلند پیش نسیم خزان یکی است / چون تاک بر درخت دویدن چه فایده؟
  - (۲) بفرمود تا از تن گاو و گور / به چرم اندر آرند سمّ ستور
  - (۳) دست قضا به مژده کلاه از سرم ربود / چون می‌نهاد بر سر من افسر بلا
  - (۴) بزد نیزه بر بند درع و زره / زره را نماند ایچ‌بند و گره

- ۱۲۲- معنی فعل «گرفت» در کدام گزینه متفاوت است؟
- (۱) بال بیاراست پریدن گرفت / همره طاوس، چمیدن گرفت
  - (۲) همان گنج‌ها را گشادن گرفت / نهاده همه رأی دادن گرفت
  - (۳) باز هجر یار دامانم گرفت / باز دست غم گریبانم گرفت
  - (۴) بر آن نامور تیرباران گرفت / چپ و راست جنگ سواران گرفت

- ۱۲۳- در همهی عبارات فعل مجهول دیده می‌شود، به‌جز:
- (۱) تمامیش را از مرمر ساخته‌اند و هرچه بیش از این در وصفش گفته آید، همچنان کم به نظر رسد.
  - (۲) مرا از آن شادی، خنده آمد، گفتم: کدام گناه؟ و جان بداد.
  - (۳) و فایده‌ی کیاست آن است که عواقب کارها دیده آید و غفلت ورزیده نشود.
  - (۴) آن دو شیخ بدین ضعیف رسیدند و التماس این دو غزل کردند، گفته آمد.

- ۱۲۴- در کدام گزینه نقش دستوری واژه‌ها مشخص شده تماماً صحیح است؟
- (۱) تا خویشتن را ضیعتکی حلال خرد و فراخ‌تر بتوانند زیست. (مفعول - قید)
  - (۲) و بوالغلائی طیب آنجا زیر تخت نشسته دیدم. (مفعول - صفت)
  - (۳) و دل‌ها سخت متحیر شد تا حال چون شود؟ (نهاد - قید)
  - (۴) و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد. (مسند - مضاف‌الیه)

- ۱۲۵- در کدام بیت مجاز وجود دارد؟
- (۱) زاغی از آنجا که فراغی گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید
  - (۲) نادره کبکی به جمال تمام / شاهد آن روضه‌ی فیروزه‌فام
  - (۳) بر قدم او قدمی می‌کشید / وز قلم او رقمی می‌کشید
  - (۴) عاقبت از خامی خود سوخته / رهروی کبک نیاموخته